[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]

[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

فصلنامه حسابداری مالی/سال سیزدهم/ شماره ۴۹/بهار ۱۴۰۰/صفحات ۱۰۹- ۸۶

تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و اثر آن بر عملکرد شرکت و بازده سهام

نجمه حاجیان*
فرزانه یوسفی اصل**
رویا خلقی***

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

چکیده

در سال‌های اخیر در پی معافیت مالیاتی در مورد افزایش سرمایهٔ بنگاه‌های اقتصادی از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها، شرکت‌های زیادی برای اولین بار اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود نمودند. تجدید ارزیابی دارایی‌ها موجب ورود یا عدم خروج نقدینگی از شرکت نخواهد شد، بنابراین تغییری در منابع شرکت ایجاد نمی‌کند؛ اما این رویداد می‌تواند دستخوش دیدگاه مدیران شده و به تغییر در عملکرد آتی شرکت منجر شود و با علامت‌دهی به بازار سرمایه، تغییرات بازده سهام را در پی داشته باشد. هدف این پژوهش بررسی عملکرد آتی و عکس‌العمل بازار سرمایه در پی تصمیم به تجدید ارزیابی دارایی‌ها است. بدین منظور نمونه‌ای متشکل از ۱۷۶ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ انتخاب گردید. نتایج مدل رگرسیون نشان‌دهنده عدم وجود رابطه بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و عملکرد آتی شرکت و وجود رابطه مستقیم بین مازاد تجدید ارزیابی و قیمت سهام شرکت می‌باشد. نتایج همچنین نشان داد تجدید ارزیابی از طریق تغییر اهرم بدهی می‌تواند بازده سهام را دستخوش تغییر نماید.

واژه‌های کلیدی: بازده سهام، تجدید ارزیابی، تئوری علامت‌دهی، تئوری فرصت‌طلبی، عملکرد.

* استادیار حسابداری،دانشگاه خاتم، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: n.hajian@khatam.ac.ir
** استادیار حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران
Email: f.yousefi@khatam.ac.ir
*** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران
Email: roya.khalghi@yahoo.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

۱- مقدمه

دستیابی به رشد بلندمدت و مداوم اقتصادی نیازمند تجهیز و تخصیص بهینه منابع در سطح اقتصاد ملی است و این مهم بدون کمک بازارهای مالی به‌ویژه بازار سرمایه گسترده و کارآمد امکان‌پذیر نیست (عرب زاده، فروغی و امیری ۱۳۹۷). در سال‌های اخیر با تصویب برخی از قوانین از جمله جزء «ب» بند ۷۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور، افزایش سرمایه بنگاه‌های اقتصادی از محل تجدید ارزیابی دارایی‌های آن‌ها، امکان‌پذیر و از شمول مالیات معاف شد. با وجود معافیت مالیاتی برای مازاد تجدید ارزیابی، شرکت‌های زیادی اقدام به استفاده از مدل تجدید ارزیابی کردند؛ اما معافیت مالیاتی تنها انگیزه تجدید ارزیابی دارایی‌ها نیست. شناسایی دارایی‌ها با ارزش‌های منصفانه به شفافیت و مربوط بودن صورت‌های مالی می‌انجامد. هدف اصلی تجدید ارزیابی، انعکاس ارزش‌های جاری در صورت‌های مالی به‌منظور ارائه اطلاعات مربوط برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است (رحمانی و حمیدی، ۱۳۸۵). ازآنجاکه گزارش دارایی‌ها به بهای تمام شده تاریخی سبب می‌شود ارزش جاری دارایی شرکت‌ها با ارزش دفتری آن تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای داشته باشد، تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند به شفافیت و مربوط بودن صورت‌های مالی کمک نماید (مرفوع، مؤمن زاده و مؤمن زاده، ۱۳۹۲).

ازآنجاکه تجدید ارزیابی دارایی‌ها اختیاری است، شرکت‌ها در انتخاب مبنای گزارشگری دارایی‌های ثابت بین روش بهای تمام شده تاریخی و روش ارزش منصفانه یا به عبارتی تجدید ارزیابی نمودن دارایی‌ها، آزادانه تصمیم‌گیری می‌کنند؛ اما آنچه باعث رویکرد متفاوت شرکت‌ها در استفاده یا عدم استفاده از این امکان می‌گردد چیست؟ دو فرضیه علامت‌دهی[1] و فرضیه فرصت‌طلبی[2] در ارتباط با تصمیم مدیریت در خصوص تجدید ارزیابی دارایی‌ها مطرح است. کورتنی و کاهان[3] (۲۰۰۴) معتقدند بر اساس فرضیه علامت‌دهی با تجدید ارزیابی دارایی‌ها و شناسایی آن در صورت‌های مالی، اطلاعات جدیدی در مورد وضعیت شرکت در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد و در این صورت عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یافته و انتظار می‌رود بازار به اطلاعات ارزش‌های روز شرکت واکنش نشان دهد. در این صورت تجدید ارزیابی دارایی‌های

1 Signaling Hypothesis
2 Opportunistic Hypothesis
3 Courtenay & Cahan

ثابت باید بر بازده سهام تأثیر بگذارد. از طرفی فرضیه فرصت‌طلبی بیان می‌کند که هدف شرکت‌ها از تجدید ارزیابی دارایی‌ها، افزایش ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و بهبود اهرم مالی و شرایط شرکت در قراردادهای بدهی و یا جبران تأثیر زیان‌های انباشته شده در حقوق صاحبان سهام است. آن‌ها معتقدند درصورتی‌که فعالین بازار اعتقاد داشته باشند تجدید ارزیابی یک رفتار فرصت‌طلبانه توسط مدیر برای هدفی خاص است، این اطلاعات را در قیمت سهام منعکس نمی‌کند و ارزش کمتری برای اطلاعات تجدید ارزیابی قائل خواهند بود.

آبودی، بارث و کازنیک[1] (۱۹۹۹) و ایستون، ادی و هریس[2] (۱۹۹۳) طی پژوهش‌هایی در کشورهای استرالیا و بریتانیا به این نتیجه رسیدند که تجدید ارزیابی در محیط‌های اطلاعاتی با کیفیت بالا، به دلیل اطلاع‌رسانندگی بودن آن انجام می‌شده است و فرضیه علامت‌دهی را تأیید کردند، ولی برخلاف آن‌ها پژوهش لوپز و واکر[3] (۲۰۱۲) در محیط گزارشگری مالی برزیل به این نتیجه رسید که در برزیل انگیزه‌های قراردادی و فرصت‌طلبی نقش مهمی در انتخاب تجدید ارزیابی ایفا می‌کند.

تا قبل از سال ۱۳۹۰ استفاده از روش تجدید ارزیابی در شرکت‌های ایرانی بسیار معدود بود؛ اما در پی بخشی از قانون بودجه سال ۱۳۹۰، مبنی بر معافیت مالیاتی افزایش سرمایه بنگاه‌های اقتصادی از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها، شرکت‌های زیادی به‌یک‌باره به تجدید ارزیابی نمودن دارایی‌ها و گزارش دارایی‌های خود به ارزش منصفانه در صورت‌وضعیت مالی روی آورند. در پی این تغییر روش از بهای تمام شده تاریخی به ارزش‌های منصفانه چندین پژوهش در مورد این پدیده در ایران صورت گرفت. از جمله تأثیر تجدید ارزیابی بر حق‌الزحمه حسابرسی و هزینه‌های حسابرسی (فروغی نعمت الهی، ۱۳۹۵ و منصوری، سعیدی گراغانی و اسدی دوبانی، ۱۳۹۶) و یا تأثیر تجدید ارزیابی بر مدیریت سود (محمدرضایی، خسرویان و دولت زارعی، ۱۳۹۹)، اما آنچه هنوز در مورد این موضوع مشخص نشده است انگیزه شرکت‌ها از انتخاب این روش به‌جای روش بهای تمام شده تاریخی است. مسلماً معافیت مالیاتی ایجاد شده تسهیل‌کننده بزرگی برای شرکت‌های ایرانی در انتخاب روش تجدید ارزیابی بوده است؛ اما سؤال اساسی اینجاست که شرکت‌های ایرانی چه تمایلی به تجدید ارزیابی دارایی‌ها داشته‌اند که معافیت مالیاتی ایجاد شده راه را برای آن‌ها تسهیل کرده است. به عبارتی این شرکت‌ها

1 Aboody, Barth & Kasznik
2 Easton, Eddey & Harris
3 Lopes & Walker

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

حتی بـا وجود معافیت مالیـاتی ایجاد شده می‌توانستند به گزارشگری دارایی‌های خود به ارزش‌های تـاریخی ادامه دهند، اما انگیزه‌ای آن‌ها را تشویق به انتخاب این روش با وجود هزینه‌های اجرایی آن نموده است. بر این اساس، در این پژوهش به دنبال بررسی دو فرضیه مطرح عنوان شده در خصوص انتخاب رویکرد تجدید ارزیابی هستیم. آیا شرکت‌ها در ایران صرفاً به خاطر شفافیت بیشتر و اطلاع بخشی روش تجدید ارزیابی، آن را انتخاب کرده‌اند یا انگیزه‌های فرصت‌طلبانه‌ای از این انتخاب داشته‌اند. انگیزه اطلاع بخشی گزارش‌های مالی برای تصمیم به تجدید ارزیابی از طریق آزمون‌های بازار و عملکرد موردبررسی قرار می‌گیرد. برای بررسی این موضوع پیرو پژوهش لوپز و واکر (۲۰۱۲)، از دو آزمون عملکرد و بازار استفاده شده است. این آزمون‌ها بـر این فرض قرار دارند کـه سرمایه‌گذاران توسط تجدید ارزیابی فریب نمی‌خورند، به عبارتی آن‌ها متوجه هستند که تجدید ارزیابی صرفاً یک اطلاع‌رسانی در خصوص ارزش روز دارایی‌ها توسط شرکت است و به معنای تغییر ارزش دارایی‌ها نیست. اگر این فرض درست باشد، پس انتظار می‌رود که رابطه بین تجدید ارزیابی و قیمت‌های بازار با رابطه بین تجدید ارزیابی و عملکرد شرکت مطابق و سازگار باشد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- تجدید ارزیابی دارایی‌ها

رویهٔ حسابداری دارایی‌های ثابت مشهود در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۶ و در ایران در استاندارد حسابداری شمارهٔ ۱۱ (دارایی‌های ثابت مشهود) تعیین شده است. بر اساس این استانداردها واحد تجاری باید یکی از دو روش "بهای تمام شده" یا "تجدید ارزیابی" را به‌عنوان رویه حسابداری خود انتخاب کند و آن را در مورد تمام اقلام یک طبقه دارایی‌های ثابت به کار گیرد. در روش بهای تمام شده، دارایی ثابت پس از شناخت باید به مبلغ دفتری یعنی بهای تمام شده پس از کسر هرگونه استهلاک انباشته منعکس شود. در روش تجدید ارزیابی پس از شناخت دارایی ثابت مشهود، چنانچه ارزش منصفانه به‌گونه‌ای اتکاپذیر قابل‌اندازه‌گیری باشد، باید آن را به مبلغ تجدید ارزیابی یعنی ارزش منصفانه در تاریخ تجدید ارزیابی پس از کسر استهلاک انباشته و کاهش ارزش انباشته بعد از تجدید ارزیابی، ارائه کرد. تجدید ارزیابی باید در فواصل زمانی منظم (۳ یا ۵ ساله) انجام شود تا اطمینان حاصل گردد مبلغ دفتری دارایی تفاوت بااهمیتی با ارزش منصفانه آن در تاریخ ترازنامه ندارد. پس از انجام تجدید ارزیابی، استهلاک انباشته قبلی حذف و مبلغ تجدید ارزیابی، از هر نظر جایگزین ناخالص مبلغ دفتری قبلی آن دارایی خواهد شد (استاندارد حسابداری شماره ۱۱ ایران).

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

تقابل بین ویژگی کیفی قابلیت اتکا و مربوط بودن همواره یکی از پرچالش‌ترین بحث‌ها در محافل حسابداری بوده است. با تجدید ارزیابی دارایی‌ها، صورت‌های مالی شرکت به‌وضوح از بهای تمام شده تاریخی که بهترین نمود از قابلیت اتکا اطلاعات محسوب می‌شود فاصله می‌گیرد و به سمت ارزش‌های جاری که ویژگی مربوط بودن اطلاعات را تأمین می‌کند حرکت می‌کند. با وجود ناسازگاری این نحوه عمل با مفاهیم زیربنایی نظام بهای تمام شده تاریخی، محافل حرفه‌ای بسیاری از کشورها در برخوردی عمل‌گرایانه با موضوع، نسبت به انتشار استانداردهایی در این زمینه اقدام کرده‌اند. در ایران نیز در سال‌های اخیر با توجه به شرایط اقتصادی و تورم بالا و فاصله گرفتن هر چه بیشتر ارزش‌های جاری و بهای تمام شده تاریخی، موضوع تجدید ارزیابی مورد ملاحظه جدی قرار گرفته است؛ اما با توجه به اینکه در مقررات مالیاتی ایران افزایش بهای دارایی‌های تجدید ارزیابی شده جزء درآمد تشخیص داده شده و مشمول مالیات بوده است، شرکت‌ها از روش تجدید ارزیابی استقبال نمی‌کردند؛ اما بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۷ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی، در سال ۱۳۹۱ مقرر شد بنگاه‌های اقتصادی که طی پنج سال اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود نمودند، طبق شرایطی درصورتی‌که مازاد حاصل از آن را به‌حساب سرمایه منظور نمایند، از شمول مالیات معاف خواهند بود. در سال‌های بعد نیز این معافیت برای شرکت‌ها تمدید شد، لذا دوره این پژوهش از ابتدای این معافیت تاکنون انتخاب شد.

۲-۲- مبانی تئوریک واکنش بازار به تجدید ارزیابی

۲-۲-۱- فرضیه علامت‌دهی

بر اساس فرضیه علامت‌دهی این‌گونه استدلال می‌شود که شرکت‌ها به‌منظور ارائه اطلاعات جدید و به‌روز و برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌نمایند. درصورتی‌که تجدید ارزیابی باهدف اطلاع‌رسانی انجام شود انتظار می‌رود این اطلاعات ارتباط ارزشی داشته باشند و واکنش بازار به این اخبار مثبت باشد، زیرا اطلاعات تجدید ارزیابی دارایی‌ها عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. (کورتنی و کاهان، ۲۰۰۴)؛ بنابراین درصورتی‌که بازدهی سهام در پی تجدید ارزیابی دارایی‌ها افزایش یابد، از فرضیه علامت‌دهی حمایت می‌شود. جاگی و تسو[1] (۲۰۰۱)

1 Jaggi & Tsui

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

در مورد شرکت‌های هنگ‌کنگی و آبودی و همکاران (۱۹۹۹) در مورد شرکت‌های بریتانیایی این فرضیه را تأیید کردند. آن‌ها رابطه مستقیم بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و عملکرد شرکت یافتند و به این نتیجه رسیدند که انتخاب روش تجدید ارزیابی توسط شرکت‌ها برای مخابره وضعیت مناسب شرکت به بازار و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بوده است.

۲-۲-۲- فرضیه فرصت‌طلبی

در مقابل فرضیه علامت‌دهی که نشانه صداقت مدیران است، فرضیه فرصت‌طلبی وجود دارد. بر اساس این فرضیه، مدیران نه به دلیل ارائه اطلاعات جدید از ارزش دارایی‌ها بلکه برای ترمیم وضعیت مالی شرکت از جمله پوشش اهرم مالی بالا، کاهش هزینه قراردادها، پوشش زیان‌های انباشته و وضعیت مالی ضعیف شرکت و سایر موارد اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و شناسایی مازاد تجدید ارزیابی در حقوق صاحبان سهام می‌نمایند. پیش‌بینی می‌شود درصورتی‌که بازار به این نتیجه برسد که تجدید ارزیابی دارایی‌ها یک رفتار فرصت‌طلبانه توسط مدیران شرکت و به نیت رسیدن به یک هدف مشخص و از پیش تعیین شده باشد، این اطلاعات را در قیمت سهام منعکس نمی‌کند و این اطلاعات ارتباط ارزشی نخواهند داشت (کورتنی و کاهان ۲۰۰۴). در ادبیات این موضوع، انگیزه فرصت‌طلبی بیش از انگیزه علامت‌دهی حمایت شده است به‌عنوان مثال کوتر و زیمر[1] (۱۹۹۵)، لوپز و واکر (۲۰۱۲)، کورتنی و کاهان (۲۰۰۴) نتیجه گرفته‌اند که انگیزه مدیران از تجدید ارزیابی دارایی‌ها، فرصت‌طلبانه بوده است.

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پژوهش‌های خارجی

چو، چانگ و کیم[2] (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت بر تأمین مالی در شرکت‌های کره‌ای در طول بحران اقتصاد جهانی یعنی سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۰ پرداختند. پس از بحران جهانی، دولت کره به شرکت‌ها اجازه داد دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی کنند تا با توسعه و بهبود وضعیت دارایی‌ها در صورت‌وضعیت مالی بتوانند تأمین مالی بیشتری انجام دهند. آن‌ها به این نتیجه

[1] Cotter & Zimmer
[2] Cho, Chung & Kim

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

رسیدند که پس از این مجوز شرکت‌ها عمده تأمین مالی خود را بر روی تأمین مالی از طریق بدهی‌های بلندمدت متمرکز کردند و از تأمین مالی از طریق بدهی کوتاه‌مدت یا افزایش سرمایه استفاده کمتری کردند. همچنین تأمین مالی شرکت‌ها بیشتر از بخش خصوصی انجام شد تا بخش دولتی. آن‌ها همچنین به این نتیجه رسیدند که تأمین مالی بیشتر توسط شرکت‌هایی انجام شده است که مشکل مالی داشتند تا شرکت‌هایی که از سلامت مالی برخوردار بودند.

پیراویرا، کوستیاوان و انگریانی[1] (۲۰۲۱) در پژوهشی رفتار پرداخت‌کنندگان مالیات پس از تجدید ارزیابی دارایی‌ها را در شرکت‌های اندونزی بررسی کردند. داده‌های به‌دست‌آمده از تکنیک‌های مصاحبه با پاسخ‌دهندگان متشکل از مالیات‌دهندگان شرکت‌ها و متخصصان در زمینه تجدید ارزیابی دارایی‌ها که به مدت ۶ ماه انجام شد منجر به شناسایی خط‌مشی‌های لازم در مورد سیاست‌های تجدید ارزیابی دارایی‌ها به‌منظور انطباق مالیات‌دهندگان با دولت و در نتیجه افزایش درآمد مالیاتی دولت شد. نتایج این پژوهش به‌عنوان ورودی برای اداره کل مالیات این کشور در ایجاد سیاست‌های تشویقی مالیاتی در تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فنانی و کاملیا[2] (۲۰۲۰) در پژوهشی تأثیر سابقه و پاداش هیئت‌مدیره و اهرم مالی را بر اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های ثبات بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که سابقه سیاسی و سابقه کار حسابداری اعضای هیئت‌مدیره تأثیری بر انتخاب روش تجدید ارزیابی ندارد اما شرکت‌هایی که اعضای هیئت‌مدیره با سابقه نظامی دارند بیشتر از روش تجدید ارزیابی دارایی‌ها استقبال کرده‌اند. آن‌ها همچنین به این نتیجه رسیدند که پاداش هیئت‌مدیره و وضعیت بدهی شرکت ارتباطی با تصمیم به تجدید ارزیابی دارایی‌ها ندارد.

فیرمانیا، احمار و مولیادی[3] (۲۰۱۷) در پژوهش خود اثر متغیرهای درون شرکتی از جمله اهرم مالی، اندازه، نقدشوندگی و جریان نقد عملیاتی بر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت را بررسی کردند. نتایج نشان‌دهنده تأثیر اهرم مالی بر تصمیم به تجدید ارزیابی بود. این نتیجه فرضیه فرصت‌طلبی را تقویت می‌کند به این معنی که

1 Prawira, Kustiawan & Anggrayni
2 Fanani & Kamelia
3 Firmansyah, Ahmar & Mulyadi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

شرکت‌های با اهرم مالی بالا، با تجدید ارزیابی دارایی‌ها سعی به ترمیم نسبت‌های اهرمی می‌نمایند. آن‌ها همچنین دریافتند جریان نقد عملیاتی با تصمیم به تجدید ارزیابی مرتبط است.

والی[1] (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و تصمیم به تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در کشور تونس پرداخته است. همچنین تأثیر اندازه شرکت، وضعیت بورسی، زیان‌های انباشته شده قبلی و اهرم را در تجدید ارزیابی دارایی‌ها آزمون کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تصمیم تجدید ارزیابی با نسبت سهام موجود در بلوک‌ها توسط سرمایه‌گذاران نهادی افزایش می‌یابد. علاوه بر این، شواهد نشان داد که شرکت‌هایی که قبلاً زیان انباشته داشته‌اند و شرکت‌های با اهرم بالا که تمایل دارند بدهی‌های خود را نکول نکنند، بیشتر احتمال دارد دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی کنند.

لوپز و واکر (۲۰۱۲) عملکرد آتی شرکت، قیمت و بازده سهام در پی تجدید ارزیابی و اثر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر تصمیم به تجدید ارزیابی را موردبررسی قرار دادند. آن‌ها هم در آزمون‌های عملکرد محور و هم در آزمون‌های بازارمحور به روابط منفی دست یافتند. به عبارتی آن‌ها به این نتیجه رسیدند که عملکرد آتی شرکت، قیمت سهام و بازده سهام در پی تجدید ارزیابی دارایی‌ها کاهش می‌یابد. در نتیجه آن‌ها این‌گونه استدلال می‌کنند که در برزیل تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت با انگیزه علامت‌دهی به بازار صورت نمی‌گیرد زیرا بازده سهام در سال بعد از تجدید ارزیابی کاهش می‌یابد، بلکه برای بهبود وضعیت سرمایه و با انگیزه‌های فرصت‌طلبانه صورت می‌گیرد. نتایج همچنین نشان داد شرکت‌هایی که وضعیت راهبری شرکتی بهتری دارند کمتر اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت می‌نمایند و شرکت‌هایی که بدهی بالاتر یا نقدشوندگی پایین‌تر دارند بیشتر اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌نمایند.

۲-۳- پژوهش‌های داخلی

در ایران نیز پژوهش‌هایی هرچند اندک در مورد تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت انجام شده است. مرتبط‌ترین این پژوهش‌ها به مقاله حاضر به شرح زیر است.

1 Wali

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

محمدرضایی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها را بر مدیریت سود سنجیدند. دوره زمانی این پژوهش ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۶ بوده و از رگرسیون چند متغیره برای این منظور استفاده کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود رابطه مستقیم وجود دارد. هم‌چنین یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که رابطه بین مدیریت سود و تجدید ارزیابی زمانی قوی‌تر است که تجدید ارزیابی از محل دارایی‌های استهلاک ناپذیر است. آن‌ها این نتیجه را مؤید فرضیه فرصت‌طلبی می‌دانند و معتقدند مدیریت واحد تجاری به دلیل پیامدهای ناخواسته تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر سود عملیاتی و کاهش سود هر سهم به دلیل افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی، انگیزه لازم برای مدیریت سود افزاینده را خواهد داشت.

ذوالفقاری و شیرزادی (۱۳۹۷) تأثیر افزایش سرمایه را بر سودآوری عملیاتی شرکت‌ها برای سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۵ بررسی کردند. آن‌ها در این پژوهش با بررسی صورت‌های مالی و پیش‌بینی قبل و بعد از افزایش سرمایه، همین‌طور تغییرات سود عملیاتی شرکت‌هایی که در دوره پژوهش دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی نموده و از این محل افزایش سرمایه ثبت کرده بودند به این نتیجه رسیدند که میان افزایش سرمایه از این محل با سودآوری عملیاتی رابطه معناداری وجود ندارد و بیش از ۹۰ درصد این شرکت‌ها نه‌تنها با افزایش سودآوری مواجه نشده‌اند بلکه با کاهش سود عملیاتی نیز مواجه هستند. آن‌ها معتقدند این نوع افزایش سرمایه بیشتر موجب سفته بازی و بازده غیرعادی سهامداران می‌شود تا به بهبود عملکرد شرکت‌ها و رفع موانع و رشد تولید کمک کند.

برخی دیگر از پژوهش‌های در خصوص تجدید ارزیابی که ارتباط کمتری با موضوع این پژوهش دارد شامل پژوهش منصوری و همکاران (۱۳۹۶) است که به بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر هزینه‌های حسابرسی در بازار سرمایه ایران پرداختند و یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که تجدید ارزیابی دارایی‌ها دارای رابطه معنادار و مستقیم با هزینه‌های حسابرسی است به این معنی که انجام تجدید ارزیابی سبب افزایش هزینه‌های حسابرسی می‌گردد. فروغی نعمت الهی (۱۳۹۵) نیز به بررسی اثر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند و به رابطه مثبتی در این زمینه دست یافتند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

۴- فرضیه‌های پژوهش

همان‌طور که قبلاً گفته شد، دو فرضیه علامت‌دهی و فرصت‌طلبی می‌توانند تصمیم مدیر به تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت را توجیه کنند. در این پژوهش به دنبال بررسی فرضیه علامت‌دهی هستیم. مطابق با استدلال کورتنی و کاهان (۲۰۰۴) و لوپز و واکر (۲۰۱۲) درصورتی‌که تجدید ارزیابی دارایی‌ها اطلاعات جدید و با ارزشی در مورد ارزش‌های منصفانه به بازار مخابره کند، واکنش بازار به این اقدام باید مثبت باشد و افزایش ارزش سهام را در پی داشته باشد. همچنین اگر سرمایه‌گذاران توسط تجدید ارزیابی فریب نخورند و آن را رویدادی صرفاً اطلاع دهنده تلقی کنند، انتظار می‌رود که رابطه بین تجدید ارزیابی و قیمت‌های بازار با رابطه بین تجدید ارزیابی و عملکرد شرکت مطابق و سازگار باشد؛ بنابراین برای بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر عملکرد آتی شرکت و قیمت و بازده سهام فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شده است.

فرضیه ۱: انتخاب روش تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر عملکرد آتی شرکت تأثیر دارد.

فرضیه اول تنها برای انتخاب یا عدم انتخاب روش تجدید ارزیابی و تأثیر آن بر عملکرد آتی شرکت آزمون می‌شود؛ اما در فرضیه ۲ رابطه مبلغ مازاد تجدید ارزیابی و عملکرد آتی شرکت مورد آزمون قرار می‌گیرد. لذا فرضیه دوم تنها در مورد شرکت-هایی که تجدید ارزیابی کرده‌اند آزمون می‌گردد درحالی‌که سایر فرضیه‌ها موضوع را بین شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی کرده‌اند و نکرده‌اند بررسی می‌کند.

فرضیه ۲: مبلغ تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت بر عملکرد آتی شرکت تأثیر دارد.

همچنین برای بررسی تأثیر تجدید ارزیابی بر بازار سرمایه و مطالعه واکنش سهامداران به آن، فرضیه‌های زیر تدوین شد. در فرضیه سوم ما تأثیر مقطعی را بررسی می‌کنیم؛ یعنی اثر تجدید ارزیابی بر قیمت سهام در یک روز؛ اما در فرضیه چهارم اثر بلندمدت‌تری را بر بازار بررسی می‌کنیم. اینکه بازده یک ساله سهام در پی تجدید ارزیابی چه واکنشی خواهد داشت.

فرضیه ۳: تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت بر قیمت سهام شرکت تأثیر دارد.

فرضیه ۴: تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت بر بازده سهام شرکت تأثیر دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

۵- روش‌شناسی پژوهش

۵-۱- روش پژوهش و نمونه آماری

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش از جمله پژوهش‌های توصیفی همبستگی به شمار می‌رود. برای محاسبه متغیرهای پژوهش تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهرآن‌که شرایطی شامل پذیرفته شدن در بورس قبل از سال ۱۳۹۰، عدم‌تغییر سال مالی و بسته نبودن نماد برای دوره بیش از ۳ ماه (به دلیل اینکه یکی از متغیرهای این پژوهش بازده سهام است و برای اندازه‌گیری آن باید هم اثر زمان کنترل شود و هم قیمت سهام در روزهای متوالی برای اندازه‌گیری بازده در دسترس باشد) و نیز جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری‌ها نباشند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. لذا اطلاعات ۱۷۶ شرکت برای سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ گردآوری شد. در مورد فرضیه‌های ۱،۳ و ۴ تمام ۱۷۶ شرکت مورد آزمون قرار گرفت؛ اما در مورد فرضیه ۲، ازآنجاکه بزرگی مبلغ تجدید ارزیابی و رابطه‌اش با عملکرد مدنظر بود، صرفاً در مورد شرکت‌هایی که در این بازده زمانی تجدید ارزیابی کرده‌اند (۴۰ شرکت) بررسی شد. داده‌های شرکتی از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و داده‌های بازار از آرشیو قیمتی شرکت بورس استخراج شده است. برای تخمین مدل‌های آماری از نرم‌افزار ایویوز [۱۹] استفاده شده است.

۵-۲- مدل پژوهش

۵-۲-۱- مدل‌های شرکت محور

برای آزمون فرضیه اول و دوم از دو مدل استفاده شده توسط آبودی و همکاران (۱۹۹۹) و لوپز و واکر (۲۰۱۲) استفاده می‌شود:

$$\Delta OP_{it+1} = \alpha + \beta_1 \Delta OP_{it} + \beta_2 DRev_{it} + \beta_3 DOP_{it} + \beta_4 {}^{D}/_{E_{it}} + \beta_5 PTB_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۱)

متغیر وابسته:

ΔOP_{it+1}: تغییر سود عملیاتی سال آینده نسبت به سال جاری تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ابتدای سال جاری؛

1 Eviews9

متغیر مستقل:

$DRev_{it}$: متغیر مجازی که اگر شرکت در سال جاری دارایی‌های ثابت خود را تجدید ارزیابی کرده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ می‌پذیرد؛

متغیرهای کنترلی:

ΔOP_{it}: تغییر سود عملیاتی سال جاری نسبت به سال قبل تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ابتدای دوره قبل؛

DOP_{it}: اثر تعاملی بین متغیر مجازی تجدید ارزیابی و تغییر در سود عملیاتی (حاصلضرب ΔOP_{it} و $DRev_{it}$)؛

D/E_{it}: نسبت بدهی‌های سال جاری به حقوق صاحبان سهام سال جاری؛

PTB_{it}: نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان سال جاری؛

مدل‌بالا تنها به بررسی انتخاب یا عدم انتخاب روش تجدید ارزیابی بر سود عملیاتی می‌پردازد اما در صورت انجام، بزرگی آن را در نظر نمی‌گیرد. لذا برای آزمون فرضیه دوم، مدل زیر به پیروی از آبودی و همکاران (۱۹۹۹) و لوپز و واکر (۲۰۱۲) تنها برای شرکت‌هایی که اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها نموده‌اند، آزمون شد.

$$\Delta OP_{it+1} = \alpha + \beta_1 \Delta OP_{it} + \beta_2 Rev(d)_{it} + \beta_3 {}^{D}/_{E_{it}} + \beta_4 {}^{D}/_{E_{it}} * Rev(d)_{it} + \beta_5 PTB_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

متغیر مستقل:

$Rev(d)_{it}$: مبلغ مازاد تجدید ارزیابی که بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ابتدای سال تقسیم می‌شود؛

اثر تعاملی D/E و Rev(d) نیز برای آزمون اثر اهرم بر ارتباط بین مازاد تجدید ارزیابی و عملکرد آتی شرکت در مدل وارد شده است.

۲-۲-۵- مدل‌های بازار محور

در فرضیه‌های بعدی با توجه به فرضیه علامت‌دهی و فرضیه فرصت‌طلبی که در خصوص واکنش بازار سرمایه به تجدید ارزیابی دارایی‌ها مطرح است، هدف پژوهش بررسی عکس‌العمل بازار سرمایه به استفاده از ارزش جاری به‌جای بهای تمام شده تاریخی برای دارایی‌های ثابت شرکت می‌باشد. لذا قیمت و بازده سهام به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. مدلی که در ادبیات موضوع توسط امیر، هریس و

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

ونـوتی[1] (۱۹۹۳)، بـارث و کلیـنچ[2] (۱۹۹۶)، ایسـتون و همکـاران (۱۹۹۳) و لـوپز و واکـر (۲۰۱۲) نیز استفاده شده است به شرح زیر است.

$$P_{it} = \alpha + \beta_1 BV_{it} + \beta_2 EARN_{it} + \beta_3 REVBal_{it} + \beta_4 {}^{D}/_{E_{it}} + \beta_5 {}^{D}/_{E_{it}} * REVBal_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)

متغیر وابسته:

P_{it}: قیمت هر سهم در پایان ماه چهارم سال پس از تجدید ارزیابی؛

متغیر مستقل:

$REVBal_{it}$: مازاد تجدید ارزیابی تقسیم بر تعداد سهام؛

متغیرهای کنترلی:

BV_{it}: ارزش دفتری هر سهم به‌استثنای مانده تجدید ارزیابی در پایان سال؛

$EARN_{it}$: سود هر سهم؛

D/E_{it}: نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام.

از این مدل برای تعیین اینکه آیا مانده‌های تجدید ارزیابی ارتباط ارزشی دارند یا خیر، نیز می‌توان استفاده نمود. این مدل می‌تواند گسترش‌یافته مدل اولسون[3] (۱۹۹۵) یا معادله ارزیابی محور بارث و لاندسمن[4] (۱۹۹۵) باشد.

در مدل بعدی از رگرسیون بازده‌های مقطعی برای آزمون چگونگی ارتباط بین بازده‌های فعلی با خالص افزایش در مازاد تجدید ارزیابی استفاده می‌شود. از این رو، مدل زیر که توسط آبودی و همکاران (۱۹۹۹) و لوپز و واکر (۲۰۱۲) به‌کاربرده شده است مورد آزمون قرار گرفت.

$$\mathrm{Ret_{it}} + \alpha + \beta_1 EARNd_{it} + \beta_2 \left(EARNd_{it} - EARNd_{i,t-1}\right) + \beta_4 Revps(d)_{it} + \beta_5 {}^{D}/_{E_{it}} + \beta_6 {}^{D}/_{E_{it}} * Revps(d)_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۴)

متغیر وابسته:

Ret_{it}: بازده سهام شرکت از پایان ماه چهارم سال تجدید ارزیابی تا چهار ماه پس از پایان سال تجدید ارزیابی؛

1 Amir, Harris & Venuti
2 Barth & Clinch
3 Ohlson
4 Barth & Landsman

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

متغیر مستقل:

$\boldsymbol{Revps(d)_{it}}$: مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ابتدای سال؛

اثر تعاملی D/E و Revps(d) نیز برای آزمون اثر اهرم بر ارتباط بین مازاد تجدید ارزیابی و بازده سهام در مدل وارد شده است.

متغیر کنترلی:

$\boldsymbol{EARNd_{it}}$: سود هر سهم تقسیم بر قیمت سهام ابتدای سال

برای محاسبه بازده سهام از فرمول زیر استفاده شده است.

$$RET = \frac{DPS + P_t(1 + a + b) - (P_{t-1} + c * a)}{(P_{t-1} + c * a)}$$

RET: بازده تحقق‌یافته، **DPS**: سود نقدی سهام، $\mathbf{P_t}$: قیمت سهام در پایان ماه چهارم سال t، **Pt-1**: قیمت سهام در پایان ماه چهارم سال t-1، $\boldsymbol{a}$: درصد افزایش سرمایه از محل آورده نقدی، **b**: درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته، **c**: مبلغ اسمی پرداخت‌شده بابت افزایش سرمایه از محل آورده نقدی (۱۰۰۰ ریال)

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- تحلیل آمار توصیفی

پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه متغیرهای مورداستفاده در پژوهش، پارامترهای توصیفی هر متغیر به‌صورت مجزا محاسبه می‌گردد، جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترل را برای کل مشاهده‌های این پژوهش نشان می‌دهد، این عوامل شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، کمینه و بیشینه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی همچون انحراف معیار و ضریب چولگی می‌باشد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

جدول (۱). آمار توصیفی متغیرهای مدل اول، سوم و چهارم پژوهش (کل شرکت‌ها: ۱۷۶ شرکت)

	نماد متغیر	نماد	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	ضریب چولگی
۱	تغییر سود عملیاتی آتی	ΔOP_{it+t}	۰/۰۲۸	۵/۲۳	-۳/۸۵	۰/۲۹	۲/۳۰
۲	تغییر سود عملیاتی جاری	ΔOP_{it}	۰/۰۵۱	۵/۲۳	-۳/۸۵	۰/۲۹	۲/۴۴
۳	متغیر مجازی تجدید ارزیابی دارایی	ΔREV_{it}	۰/۰۷۶	۱	۰	۰/۲۶	۳/۱۹
۴	متغیر تعاملی (تجدید ارزیابی ضربدر تغییر سود عملیاتی)	DOP_{it}	۰/۰۰۲	۱/۹۲	-۰/۶۹	۰/۰۷۱	۱۱/۹۴
۵	نسبت بدهی‌ها	D/E_{it}	۲/۰۳	۵۶۴/۲۸	-۲۳۸/۴۱	۱۸/۳۴	۲۰/۴۹
۶	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	PTB_{it}	۲/۳۷۶	۱۲۱/۵۱	-۱۰۲/۳۹	۶/۱۱	۱/۹۲
۷	قیمت سهام	P_{it}	۱۱۹۹۹	۴۱۰۷۵۰	۳۳۲	۲۲۸۳۴/۰	۶/۸۸
۸	تجدید ارزیابی تقسیم بر تعداد سهام	$REVBAL_{it}$	۱۶۱/۵۸	۲۱۸۳۰	۰	۱۳۰۸/۳۱	۱۱/۳۵
۹	متغیر تعاملی	D/E*REVBAL	۳۲۲/۱۱	۱۱۶۳۷۱	-۱۶۱۸۱	۴۱۵۱/۹	۱۹/۸۴
۱۰	ارزش دفتری هر سهم (منهای مازاد تجدید ارزیابی)	BV_{it}	۱۸۹۸/۰۲	۲۱۸۰۱	-۵۰۶۶۵	۳۶۲۷/۹	-۷/۳۷
۱۱	سود هر سهم	$EARN_{it}$	۷۱۲/۶	۱۸۰۲۹	-۱۰۴۶۵	۱۵۹۷/۴۵	۲/۲۷
۱۲	بازده یک ساله	Ret_{it}	۲/۲۹	۱۲/۴۲	-۱۰/۲۴	۲/۰۲	-۰/۱۰۵
۱۳	نسبت مازاد تجدید ارزیابی به حقوق صاحبان سهام	$REVPS_{it}$	۰/۰۲۷	۵/۹۷	۰	۰/۲۴	۱۴/۸۴
۱۴	متغیر تعاملی	D/E*REVPS	۰/۰۴	۹/۱۹	-۸/۳۰	۰/۶۰	۹/۰۵
۱۵	سود هر سهم تقسیم بر قیمت هر سهم	EARNDit	۰/۰۶۶	۳/۲۷	-۸/۷۳۱	۰/۴۶	-۷/۱۴

از نکات قابل‌توجه این جدول می‌توان به متغیر تجدید ارزیابی که متغیر مستقل در سه مدل فوق است اشاره کرد. ردیف ۳ جدول متغیر مجازی تجدید ارزیابی است و عدد ۰/۰۷۶ نشان‌دهنده میانگین تعداد سال- شرکتی است که در آن تجدید ارزیابی صورت گرفته است. به عبارتی از ۱۵۸۴ سال- شرکت، در کمتر از ۸ درصد آن‌ها تجدید ارزیابی دارایی‌ها صورت گرفته است. لازم به توضیح است این عدد به این معنی نیست که تنها ۷ درصد شرکت‌های نمونه تجدید ارزیابی کرده‌اند زیرا بر اساس استانداردهای حسابداری، شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی می‌کنند موظف‌اند هر سه یا ۵ سال این کار را تکرار کنند، بنابراین حتی به شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی انجام داده‌اند نیز در ۲ یا ۴ سال بعد از سال انجام تجدید ارزیابی عدد صفر تعلق گرفته است. در واقع با توجه به اینکه نمونه شامل ۱۷۶ شرکت بوده و تعداد ۴۰ شرکت طی دوره موردنظر اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها نموده‌اند، می‌توان گفت حدود ۲۳ درصد از شرکت‌های نمونه تجدید روش تجدید ارزیابی را انتخاب کرده‌اند. ردیف ۸ که متغیر مستقل مدل سوم را تشریح می‌کند مبلغ تجدید ارزیابی دارایی‌ها تقسیم بر تعداد سهام است که مبلغ ۱۶۱/۵۸ را نشان می‌دهد به عبارتی به‌طور میانگین به ازای هر سهم ۱۶۱ ریال تجدید ارزیابی (افزایش ارزش دفتری دارایی) ایجاد شده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

متغیر ۱۳ مبلغ تجدید ارزیابی را تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام نشان می‌دهد و میانگین آن‌که ۰/۰۲۷ است نشان می‌دهد افزایش ارزش دفتری دارایی‌های شرکت‌ها که به‌موجب تجدید ارزیابی رخ داده است حدود ۳ درصد ارزش بازار سرمایه شرکت‌هاست که با توجه به تعداد پایین سال-شرکت‌های تجدید ارزیابی شده این درصد قابل‌تأمل است.

جدول (۲). نتایج آمار توصیفی مدل دوم (شرکت‌های دارای تجدید ارزیابی: ۴۰ شرکت)

عنوان متغیر	نماد متغیر	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	ضریب چولگی
تغییر سود عملیاتی آتی	ΔOP_{it+t}	۰/۰۷۳	۱/۹۲	-۰/۶۹	۰/۳۲	۳/۲۶
تغییر سود عملیاتی جاری	ΔOP_{it}	۰/۰۱۵	۱/۳۰	-۰/۹۶	۰/۳۰	۰/۶۶
مبلغ تجدید ارزیابی تقسیم بر ارزش بازار	$REVD_{it}$	۰/۸۰۸	۵/۹۷	۰/۰۰۰۰۰۰۴	۱/۰۵	۲/۷۸
اهرم مالی	D/E_{it}	۱/۵۸	۱۵/۶۶۱	-۱۵/۹۷۶	۳/۸۳	-۰/۲۹
متغیر تعاملی	REVD*D/E	۱/۴۴	۹/۱۹	-۸/۳۰	۲/۹۵	۰/۷۷
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	PTB_{it}	۱/۵۱۹	۹/۸۷۳	-۶/۱۳۴	۱/۸۳۳	۰/۴۸۶

همان‌طور که گفته شد برای آزمون مدل دوم پژوهش تنها شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی کرده‌اند را در سال تجدید ارزیابی موردبررسی قرار دادیم که تنها ۴۰ شرکت بوده‌اند. جدول فوق شاخص‌های مرکزی و پراکندگی را برای متغیرهای این مدل نشان می‌دهد. تفاوت شاخص‌ها در این مدل با سه مدل دیگر قابل‌تأمل است. به‌عنوان مثال میانگین متغیر مبلغ تجدید ارزیابی تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ۰/۸۰۸ می‌باشد به این معنی که شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی کرده‌اند مبلغ تجدید ارزیابی‌شان به‌طور متوسط ۸۰ درصد ارزش بازار حقوق صاحبان سهامشان قبل از تجدید ارزیابی (ابتدای سال) را پوشش می‌دهد که از دید بازار سرمایه نسبت بسیار بزرگ و قابل‌توجهی است. درحالی‌که این نسبت در جدول شماره (۱) ۰/۰۲۷ بود. دلیل این تفاوت این است که در جدول شماره (۱) اکثر شرکت‌ها تجدید ارزیابی نکرده بودند و مبلغ تجدید ارزیابی‌شان صفر بوده درحالی‌که جدول شماره (۲) تنها شامل شرکت‌هایی است که اقدام به تجدید ارزیابی کرده‌اند. تفاوت شاخص‌های سایر متغیرها در جدول ۱ و ۲ نیز به همین شکل با عنایت به اینکه نمونه این دو جدول باهم متفاوت است، قابل تفسیر و تأمل می‌باشد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

۶-۲- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

۶-۲-۱- نتایج آزمون فرضیه اول

در فرضیه اول تنها به دنبال بررسی تأثیر انتخاب روش تجدید ارزیابی به‌جای روش بهای تمام شده برای افشای دارایی‌ها بر روی تغییرات عملکرد شرکت هستیم. نتایج آزمون این فرضیه در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول (۳). نتایج تخمین مدل اول

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	C	۰/۰۴	۱۰/۸۵	۰/۰۰۰
تغییر سود عملیاتی جاری	ΔOP_{it}	-۰/۲۰	-۸/۰۶	۰/۰۰۰
تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت	ΔREV_{it}	-۰/۰۱	-۱/۲۱	۰/۲۲۵۱
اثر تعاملی تجدید ارزیابی و تغییر در سود عملیاتی	DOP_{it}	۱/۰۰۶	۲۰/۶۳	۰/۰۰۰
نسبت بدهی‌ها	D/E_{it}	۰/۰۰۰۲	۱/۲۰	۰/۲۲۹۷
نسبت قیمت بازار به ارزش دفتری	PTB_{it}	-۰/۰۰۱	-۱/۵۷	۰/۱۱۵۴
آماره F	۳/۴۵	معناداری آماره F		۰/۰۰۰
آزمون دوربین واتسون	۱/۹۰	ضریب تعیین		۰/۳۱

مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۵ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. بر اساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون ۱,۹۰ نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلال خودهمبستگی وجود ندارد. با توجه به مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر تجدید ارزیابی می‌توان نتیجه گرفت که تجدید ارزیابی کردن و یا نکردن دارایی‌های ثابت بر عملکرد آتی شرکت تأثیر ندارد و باعث بهبود و یا افت عملکرد مالی شرکت در سال‌های بعد نمی‌شود. تنها متغیری که در آزمون فوق با تغییر عملکرد عملیاتی آتی رابطه معنی‌دار داشته است، تغیر عملکرد عملیاتی جاری است که نشان‌دهنده یک‌روند در عملکرد شرکت طی سال‌های مختلف می‌باشد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

۶-۲-۲- نتایج آزمون فرضیه دوم

همان‌طور که گفته شد برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیون مقطعی استفاده شد. نتایج آزمون این مدل به شرح زیر است:

جدول (۴). نتایج تخمین مدل دوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	C	۰/۱۰۱	۱/۱۸	۰/۲۴۰۱
تغییر سود عملیاتی جاری	ΔOP_{it}	-۰/۳۴	-۲/۳۱	۰/۰۲۵۱
تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت	$\Delta REVD_{it}$	-۰/۰۴	-۰/۵۹	۰/۵۵۱۵
نسبت بدهی‌ها	D/E_{it}	۰/۰۱	۰/۳۷	۰/۷۱۱۸
متغیر تعاملی	D/E*REVD	۰/۰۳	۰/۹۶	۰/۳۳۶۹
نسبت قیمت بازار به ارزش دفتری	PTB_{it}	-۰/۰۳	-۰/۷۳	۰/۴۶۳۷
آمارهF	۳/۹۴	معناداری آماره F		۰/۰۳
آزمون دوربین واتسون	۱/۸۷	ضریب تعیین		۰/۳۶

در این آزمون مشاهده می‌کنیم مبلغ یا بزرگی تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت نیز بر عملکرد آتی شرکت‌هایی که این روش را انتخاب کرده‌اند تأثیری ندارد. سطح معنی‌داری برای متغیر مستقل این مدل ۰/۵۵ محاسبه شده است که از ۵ درصد بزرگ‌تر است. در مجموع با استناد به نتایج آزمون فرضیه اول و دوم می‌توان گفت نه‌تنها انتخاب روش تجدید ارزیابی عملکرد شرکت در آینده را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد بلکه مبلغ مازاد تجدید ارزیابی ایجاد شده نیز نمی‌تواند تأثیری بر عملکرد آینده شرکت داشته باشد. در این مدل نیز تنها متغیر تأثیرگذار بر عملکرد آتی شرکت، عملکرد فعلی شرکت بوده است.

۶-۲-۳- نتایج آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم رابطه بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و متغیرهای بازار یعنی قیمت سهام شرکت بررسی می‌گردد.

جدول (۵). نتایج تخمین مدل سوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	C	۱۲۰۷۷	۱۴/۱۴	۰/۰۰۰
ارزش دفتری هر سهم	BV_{it}	-۰/۱۹	-۳/۵۳	۰/۰۰۰۴
سود هر سهم	$EARN_{it}$	۰/۴۲	۲/۰۰۷	۰/۰۴۴۹
مبلغ تجدید ارزیابی به ازای هر سهم	$REVBAL_{it}$	-۰/۰۴۸	-۰/۱۸	۰/۸۴۹۴
اهرم مالی	D/E_{it}	-۱/۱۴	-۰/۹۱	۰/۳۵۸۷
متغیر تعاملی	D/E*REVBAL	۰/۰۰۵	۰/۱۷	۰/۸۶۴۶
آمارهF	۴/۶۳	معناداری آماره F		۰/۰۰۰
آزمون دوربین واتسون	۱/۷۹	ضریب تعیین		۰/۳۷

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]

[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

با توجه به سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مبلغ تجدید ارزیابی هر سهم، نتیجه‌گیری می‌شود که مازاد تجدید ارزیابی بر قیمت سهام تأثیر معنی‌داری ندارد. گرچه این نتیجه خلاف انتظار است اما نیاز به بررسی بیشتر دارد، زیرا متغیر وابسته قیمت سهام در یک تاریخ مشخص (۴ ماه پس از پایان سال مالی‌ای که در آن تجدید ارزیابی صورت گرفته است) می‌باشد. قیمت سهام در یک روز خاص الزاماً ملاک محکمی برای تأثیرگذاری یک رویداد زمان‌بر مانند تجدید ارزیابی دارایی‌ها نیست، زیرا خبر تجدید ارزیابی صرفاً در تاریخ مجمع منتشر نمی‌شود بلکه هم‌زمان با عملیات تجدید ارزیابی در طول سال، اخبار مربوط به آن به بازار مخابره می‌شود و بازار برای عکس‌العمل منتظر تاریخ مجمع نمی‌ماند. از این رو در این پژوهش نیز مشابه لوپز و واکر (۲۰۱۲) در آزمون بعدی، به‌جای قیمت سهام در یک روز خاص، بازده یک سال سهام به‌عنوان متغیر وابسته قرار داده شد تا بتواند کل سالی که اخبار تجدید ارزیابی شرکت‌ها در آن منتشر شده است را پوشش دهد.

۶-۲-۴- نتایج آزمون فرضیه چهارم

نتایج تخمین مدل چهارم پژوهش مبنی بر اثر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت بر بازده یک ساله سهام به شرح زیر است.

جدول (۶). نتایج تخمین مدل چهارم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	C	۲/۱۹	۲۷/۱۶	۰/۰۰۰
سود به قیمت هر سهم	$EARND_{it}$	۰/۱۴	۰/۷۹	۰/۴۲۶
تفاوت سود هر سهم سال جاری و سال گذشته	ΔEARN	۰/۱۳	۱/۲۰	۰/۲۲۹۹
مبلغ تجدید ارزیابی تقسیم بر حقوق صاحبان سهام	$REVPS_{it}$	۱/۲۵	۷/۳۷	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	D/E_{it}	۰/۰۴	۳/۷۸	۰/۰۰۰۲
متغیر تعاملی	D/E*REVPS	۰/۴۲	۹/۵۳	۰/۰۰۰۰
آماره F	۷/۹۸	معناداری آماره F		۰/۰۰۰
آزمون دوربین واتسون	۱/۶۸	ضریب تعیین		۰/۵۰

مدل چهارم پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. با توجه به سطح معناداری محاسبه شده برای مبلغ مازاد تجدید ارزیابی تقسیم بر حقوق صاحبان سهام (درصد افزایش حقوق صاحبان سهام به‌واسطه تجدید ارزیابی) می‌توان گفت تجدید ارزیابی بر بازده سهام تأثیر دارد. این رابطه علاوه بر اینکه نشان‌دهنده عکس‌العمل بازار سرمایه به تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها می‌باشد (مؤید فرضیه علامت‌دهی)، با توجه به مغایر بودن نتیجه فرضیه ۳ و ۴ می‌توان نتیجه گرفت این عکس‌العمل در طول یک سال به وقوع می‌پیوندد؛ به عبارتی اخبار مراحل

مختلف تجدید ارزیابی طی زمان به بازار مخابره می‌گردد و تأثیر خود را بر قیمت سهام می‌گذارد. به‌بیان‌دیگر صرفاً انتشار صورت‌های مالی‌ای که حاوی دارایی‌های تجدید ارزیابی شده است و در مجمع گزارش می‌شود تأثیر قیمتی ندارد بلکه بازار این خبر را در طی یک سال در قیمت‌ها منعکس کرده است.

همچنین نکته قابل‌توجه دیگر از آزمون مدل‌بالا معنی‌دار بودن متغیر تعاملی تجدید ارزیابی و اهرم مالی است. معنی‌داری متغیر تعاملی نشان می‌دهد افزایش حقوق صاحبان سهام از طریق اصلاح اهرم بدهی بر بازده سهام تأثیر می‌گذارد.

۷- تجزیه‌وتحلیل نتایج

۷-۱- مدل‌های شرکت محور

فرضیه اول و دوم پژوهش باهدف بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت (اقدام به تجدید ارزیابی در مدل اول و مبلغ تجدید ارزیابی در مدل دوم) بر عملکرد آتی شرکت صورت گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت با عملکرد آتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به عبارتی، نتایج پژوهش حاکی از آن است که اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت سبب تقویت و بهتر شدن عملکرد آتی شرکت نشده است. از دیدگاه مفهومی این نتیجه قابل‌درک است. ازآنجاکه تجدید ارزیابی تنها روش ارائه اطلاعات مربوط به دارایی‌های ثابت است و یک رویداد مالی واقعی نیست این نتیجه با انتظارات سازگار است؛ به‌عبارت‌دیگر اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها تنها یک تغییر رویه حسابداری از افشای دارایی‌ها به بهای تمام شده به افشای دارایی‌ها به ارزش روز است و تغییر واقعی در شرکت رخ نمی‌دهد. لذا شرکت با همان دارایی‌های سابق فعالیت خود را انجام می‌دهد و از این رو تغییر در تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت تغییری در عملکرد آتی شرکت ایجاد نمی‌نماید. نتایج با پژوهش‌های پیشین در مورد رابطه تجدید ارزیابی ناهمسو بوده است. جاگی و تسو (۲۰۰۱) و آبودی و همکاران (۱۹۹۹)، رابطه مستقیم بین تجدید ارزیابی و عملکرد شرکت یافتند درحالی‌که لوپز و واکر (۲۰۱۲) به رابطه معکوس و معنی‌دار در این زمینه دست یافتند.

۷-۲- مدل‌های بازار محور

آزمون فرضیه سوم و چهارم پژوهش باهدف بررسی ارتباط تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت با عکس‌العمل بازار صورت گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که تجدید

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

ارزیابی دارایی‌های ثابت بر قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود نداشته اما بر عکس‌العمل بلندمدت بازار سرمایه (بازده یک ساله) تأثیرگذار است. رابطه تجدید ارزیابی و بازده سهام شرکت قابل پیش‌بینی بود؛ زیرا در یک بازار غیرکارا که اطلاعات به‌سادگی در اختیار همه نیست، تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند محتوای اطلاعاتی در خصوص ارزش دارایی‌های شرکت داشته باشد و بر اساس تئوری علامت‌دهی، با مخابره اخبار ارزش جاری دارایی‌ها به بازار باعث عکس‌العمل قیمت و در نتیجه افزایش بازده سهام شرکت گردد. با مقایسه نتایج فرضیه سوم و چهارم می‌بینیم که تجدید ارزیابی قیمت سهام در آخرین‌مهلت تشکیل مجمع را تحت تأثیر قرار نداده است اما بازده یک ساله سهام را متأثر کرده است. این نتیجه نشان می‌دهد بازار برای عکس‌العمل نسبت به تجدید ارزیابی دارایی‌ها منتظر اخبار مجمع نمی‌ماند بلکه در طول سالی که تجدید ارزیابی دارایی‌ها در جریان است، تغییرات قیمت سهام اتفاق می‌افتد. با توجه به گزارش‌های فصلی و الزام بورس به انتشار اخبار مهم توسط شرکت‌ها این نتیجه قابل پیش‌بینی بوده و با فرضیه علامت‌دهی کاملاً سازگار است. تعامل تجدید ارزیابی و نسبت بدهی شرکت نیز متغیری تأثیرگذار بر بازده سهام شرکت ایجاد کرد. ازنقطه‌نظر بازار سرمایه می‌توان این‌گونه به مسئله نگاه کرد که با تجدید ارزیابی دارایی‌ها و گنجاندن مازاد تجدید ارزیابی در حقوق صاحبان سهام، مبلغ حقوق صاحبان سهام و در پی آن نسبت‌های اهرمی یا بدهی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به‌نوعی تغییر ساختار مالی شرکت را به دنبال دارد و این تغییر ساختار در نهایت در بازده سهام مؤثر واقع می‌شود. این نتیجه زمانی مفهوم واقعی‌تری پیدا می‌کند که توجه کنیم عمده شرکت‌هایی که در ایران اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود می‌نمایند از اهرم بالای بدهی و پایین بودن شدید حقوق صاحبان سهام (عمدتاً به دلیل وجود زیان‌های انباشته و خطر مشمولیت ماده ۱۴۱ قانون تجارت مبنی بر کاهش اجباری سرمایه) رنج می‌برند و با توجه به معافیت مالیاتی اعلام شده طی چند سال گذشته، از فرصت تجدید ارزیابی برای پوشش زیان انباشته و ترمیم نسبت بدهی خود استفاده کرده‌اند؛ بنابراین کاملاً قابل‌درک است که تجدید ارزیابی از طریق اهرم بدهی بتواند بر بازدهی سهام (که تبلور دیدگاه سرمایه‌گذاران در مورد سهام شرکت) می‌باشد تأثیرگذار واقع شود. نتایج این فرضیه‌ها با نتایج آبودی و همکاران (۱۹۹۹) و جاگی و تسو (۲۰۰۱)، کورتنی و کاهان (۲۰۰۴) مبنی بر عکس‌العمل مثبت بازار سرمایه نسبت به تجدید

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

ارزیابی دارایی‌ها سازگار است. بااین‌حال با پژوهش لوپز و واکر (۲۰۱۲) که رابطه منفی بین تجدید ارزیابی و بازده سهام یافتند همخوانی ندارد. گیکاس، هواس و پاپاداکی[1] (۱۹۹۶) نیز در مورد رابطه بین تجدید ارزیابی و بازده سهام برای سال‌های مختلف پژوهش خود به نتایج متفاوتی رسیدند که نتایج این پژوهش با نتیجه برخی از سال‌های پژوهش آن‌ها مغایر و با نتایج برخی سازگار است.

در این پژوهش از دو جامعه آماری شامل کل شرکت‌های نمونه و شرکت‌های دارای حساب مازاد تجدید ارزیابی استفاده شد. اطلاعات تجدید ارزیابی از بررسی صورت‌های مالی شرکت و بخش حقوق صاحبان سهام استخراج شد. با توجه به اینکه برخی شرکت‌ها تجدید ارزیابی را برگشت داده و برخی دیگر در همان سال از محل آن اقدام به افزایش سرمایه کرده‌اند، لذا مازاد تجدید ارزیابی در مورد برخی شرکت‌ها در حقوق صاحبان سهام باقی نمانده است و می‌تواند منجر به این شده باشد که برخی از این شرکت‌ها علیرغم انجام تجدید ارزیابی در جامعه آماری ما لحاظ نشده باشد. برای حل این مشکل با بررسی افزایش سرمایه‌های صورت گرفته از محل تجدید ارزیابی که در گزارش سالانه سازمان بورس در خصوص عرضه سهام شرکت‌ها (انواع افزایش سرمایه‌ها طی سال) منتشر می‌شود، سعی شد تمام شرکت‌های تجدید ارزیابی کرده که در همان سال از محل آن افزایش سرمایه داده‌اند نیز با اعمال اصلاحاتی برای محاسبه متغیرها، در نمونه لحاظ شوند، اما همچنان ممکن است برخی شرکت‌ها از قلم افتاده باشند.

۸- پیشنهادهای پژوهش

بر اساس نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت را به‌عنوان عامل مؤثر بر عملکرد آتی تلقی ننمایند و با اتکا به این موضوع اقدام به خرید یا فروش سهام شرکت ننمایند. تجدید ارزیابی دارایی‌ها تنها یک عامل اطلاع‌رسان است و رویداد واقعی به شمار نمی‌رود و لذا تغییری در عملکرد آتی شرکت نخواهد داشت.

1 Ghicas, Hevas & Papadaki

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]

[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

۹- منابع

ذوالفقاری، سعید؛ و سعید شیرزادی. (۲۰۱۸). تأثیر افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر سودآوری عملیاتی شرکت‌ها. **ماهنامه تدبیر** ۲۹(۳۰۷): ۶۳-۵۷.

رحمانی، علی؛ و الهام حمیدی. (۱۳۸۵). مبانی نظری و موانع عملی تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت. **ماهنامهٔ حسابدار** ۱۷۶: ۶۳-۵۶.

عرب زاده، میثم؛ داریوش فروغی و هادی امیری. (۱۳۹۷). تبیین ناهنجاری اقلام تعهدی با در نظر گرفتن متغیر کیفیت سود: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه حسابداری مالی** ۴۰: ۲۸-۱.

فروغی نعمت‌الهی، مرجان. (۱۳۹۵). **اثر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسی با لحاظ راهبری شرکتی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده علوم اقتصادی

محمدرضائی، فخرالدین؛ ایمان خسرویان و احسان دولت زارعی. (۱۳۹۹). تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود. **دانش حسابداری مالی** ۷(۲): ۶۱-۳۱.

مرفوع، محمد؛ محمدمهدی مؤمن‌زاده و محمدهادی مؤمن‌زاده. (۱۳۹۲). تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت؛ چیستی، چرایی، چگونگی، **یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران**، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

منصوری، فردین؛ مسلم سعیدی گراغانی و ناهید اسدی دوبانی. (۱۳۹۶). بررسی تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسی، **دانش حسابداری** ۸(۴): ۱۵۹-۱۴۱.

Aboody, D., M. Barth & R. Kasznik. (1999). Revaluations of fixed assets and future firm performance: evidence from the UK. **Journal of accounting andEconomics** 26: 149–178.

Amir, E., T.S. Harris & E.K. Venuti. (1993). A comparison of US versus non-US GAAPaccounting measures using form 20-f reconciliations. **Journal of Accounting Research** 31: 230–275.

Barth, M., & W.R. Landsman. (1995). Fundamental issues relating to using fair value accountingfor financial reporting. **Accounting Horizons** 9: 97–107.

Barth, M.E., & G. Clinch. (1996). International accounting differences and their relation to shareprices: evidence from UK, Australia, and Canadian firms.**Contemporary Accounting Research** 13: 135–170.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.1.6]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.86]

Cho, H., J.R. Chung & Y.J. Kim. (2021). Fixed asset revaluation and external financing during the financial crisis: Evidence from Korea. **Pacific-Basin Finance Journal** 67: 101517.

Cotter, J., & I. Zimmer. (1995). Asset revaluations and assessment of borrowing capacity. **Abacus** 31(1): 136–151.

Courtenay, S.M., & S.F. Cahan. (2004). The impact of debt on market reactions to the revaluation of noncurrent assets. **Pacific-Basin Finance Journal** 12(2): 219-243.

Easton, P.D., P.H. Eddey & T.S. Harris. (1993). An investigation of revaluations of tangible long-lived assets. **Journal of Accounting Research** 31: 1–38.

Fanani, Z., & A. Kamelia. (2020). The background of board, compensation, leverage, and fixed asset revaluation decision. **Jurnal Keuangan dan Perbankan** 24(3): 282-296.

Firmansyah, D., N. Ahmar & J.M.V. Mulyadi. (2017). The Effect of Leverage, Size, Liquidity, Operating Cash Flow on Fixed Asset Revaluation. **The Indonesian Accounting Review (TIAR)** 7(1): 31-43.

Ghicas, D.C., D.L. Hevas & A.J. Papadaki. (1996). Fixed assets revaluations and their association with stock returns. **European Accounting Review** 5(4): 651-670.

Jaggi, B., & J. Tsui. (2001). Management motivation and market assessment: revaluations of fixed assets. **Journal of International Financial Management & Accounting** 12(2): 160-187.

Lopes, A.B., & M. Walker. (2012). Asset revaluations, future firm performance and firm-level corporate governance arrangements: New evidence from Brazil. **The British Accounting Review** 44(2): 53-67.

Ohlson, J.A. (1995). Earnings, book values and dividends in equity valuation. **ContemporaryAccounting Research** 11(2): 661–687.

Prawira, I.F.A., M. Kustiawan & F. Anggrayni. (2021). Taxpayer Behavior Towards Fixed Asset Revaluation. **Nusantara Science and Technology Proceedings** 457-462.

Wali, S. (2015). Mechanisms of corporate governance and fixed asset revaluation. **International Journal of Accounting and Finance** 5(1): 82-97.